

## نگاهی به حیات علمی و فرهنگی استاد محمد تقی دانش پژوه\* به مناسبت دهمین سال درگذشت استاد

محمود حقیقی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

### چکیده

استاد محمدتقی دانش پژوه در ۱۲۹۰ ش متولد شد. پس از طی تحصیلات مقدماتی در زادگاهش آمل، دروس طلبگی را در قم گذراند. وی دورهٔ دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران را در ۱۳۲۰ به پایان رساند. خدمات دولتی‌اش در ۱۳۱۹ با استخدام در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران آغاز شد. در ۱۳۳۱ به سمت معاونت این کتابخانه تعیین شد و ۲۹ سال در این مقام باقی ماند. در ۱۳۴۸ به گروه تاریخ دانشکدهٔ الهیات این دانشگاه پیوست. به همت او کتابخانه دانشکده حقوق به یک کتابخانه نمونهٔ علوم انسانی و بزرگترین کتابخانه ایران بدل شد. دانش پژوه در فعالیتهای فرهنگی بسیاری سهیم بود و در مجامع علمی متعددی مشارکت داشت. وی در ۲۷ آذر ۱۳۷۵ درگذشت. از او آثار متعددی به صورت تألیف، تصحیح، و تهیه فهرست بر جای مانده است. عمده‌ترین کار او فهرست مفصل نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. کلید واژه‌ها: دانش پژوه، محمدتقی. نسخه‌شناسی. فهرست نگاری

---

\*. این مقاله به سفارش بنیاد دایرةالمعارف اسلامی تألیف شده است.

## مقدمه

دانش پژوه در حوزه کتابداری، کتابشناسی، نسخه پژوهی، و فهرست نگاری دوره معاصر نامی آشناست. وی در ۱۲۹۰ ش در دهکده ناندل، نزدیک شهر آمل در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش حاج میرزا احمد درکابی دیلارستانی لاریجانی از علما و مجتهدان بنام آمل بود که سال‌ها در نجف اشرف به تحصیل پرداخته و از علامه حاج میرزا حبیب الله دشتی (متوفی ۱۳۱۲) اجازه اجتهاد دریافت کرده بود (دانش پژوه، ۱۳۵۴ الف، ص ۶۵۹-۶۶۰؛ محمد تقی دانش پژوه: ۱۳۷۵-۱۲۹۰، ص ۱). از کودکی با عشق به کتاب و مطالعه بارآمد و دلبستگی شدیدی به دانستن و شناختن در سرشتش بود. پس از طی تحصیلات اولیه، نزد پدر به فراگیری قسمتی از مقدمات علوم قدیم پرداخت. همچنین از درس تنی چند از خویشاوندان و همشهریان فاضل خود بهره گرفت (دانش پژوه، ۱۳۵۴ الف، ص ۶۶۰-۶۶۱). از آغاز تحصیل به آموختن منطق شوق زیادی داشت و از مطالعه کتاب‌های منطق لذت بسیار می‌برد و در این مقوله کتاب‌هایی چون حاشیه تهذیب المنطق ملا عبدالله یزدی (متوفی ۹۸۱) و شرح الرساله الشمسیه قطب الدین رازی (متوفی ۷۷۶) را نزد پدر خواند و سپس خود بدون استاد به مطالعه کتاب لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار قطب الدین رازی پرداخت و در این علم چنان تبحر یافت که چندی بعد که برای تحصیل به قم رفت و در آنجا از طلاب به جای فلسفه که تحریم شده بود، منطق امتحان می‌گرفتند، تنی چند از آنان که در سطوح بالاتری بودند، بخشی از شرح مطالع الانوار را نزد این طلبه جوان می‌خواندند و سپس امتحان آن را می‌گذراندند (دانش پژوه، ۱۳۵۴ الف).

در ۱۸ سالگی پدرش را که در تربیت فکری او سهم بسزایی داشت از دست داد. اندکی بعد برای تحصیلات طلبگی رهسپار قم گردید و در آنجا در درس اساتید بزرگی حاضر شد. از جمله، دروس فقه و اصول را از علمای بزرگی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی، آخوند ملاعلی همدانی (متوفی ۱۳۵۷ ش)، آیت الله شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۳۶۹ ش) و سید مصطفی کردمحلای بهره گرفت (دانش پژوه، ۱۳۵۴ الف، ص ۶۲۲؛ دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۰-۷۱).

در ۱۳۰۹ بر طبق اجازه‌نامه اداره معارف قم در سلک طلاب رسمی در آمد(ورقه تصدیق ش ۸۳۲، مورخ ۱۳۰۹/۳/۲۴ اداره حکومت قم و قهستان). پس از دو سال اقامت و تحصیل در قم به آمل بازگشت. در اینجا نیز از هر فرصتی برای آموختن بهره می گرفت (دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۱). در سال تحصیلی ۱۳-۱۳۱۲ در تهران، ضمن ادامه کسب علوم عقلی و نقلی در مدرسه صدر، با مطالعه دروس مدارس جدید خود را برای گذراندن امتحانات سال ششم و اخذ دیپلم متوسطه آماده می کرد (ستوده، ۱۳۷۵، ص ۵۹۹-۶۰۰). در ۱۳۱۶ در دبیرستان معقول و منقول در مدرسه مروی تهران به تحصیل پرداخت. سپس دوره دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران را گذراند و در ۱۳۲۰ از این دانشکده درجه لیسانس گرفت (دانش پژوه، ۱۳۵۴ الف، ص ۶۶۵-۶۶۶). بدین ترتیب، وی توفیق یافت که در معارف پر دامنه اسلامی دانش فراوانی بیندوزد.

دانش پژوه از زبان‌های غربی به زبان فرانسوی مسلط و با زبان انگلیسی آشنا بود (دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۲-۷۳). خدمات دولتی وی در ۱۳۱۹ با استخدام در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران آغاز شد. در ۱۳۳۱ به سمت معاونت این کتابخانه تعیین شد و ۲۹ سال در این مقام باقی ماند، در ۱۳۳۳ با حفظ سمت به ریاست کتابخانه کتب خطی دانشگاه تهران و دو سال بعد به ریاست کتابخانه مرکزی این دانشگاه منصوب شد (دانش پژوه، ۱۳۵۴ الف، ص ۶۶۶؛ دانش پژوه، ۱۳۵۷، ص ۲۴۰-۲۴۲). در ۱۳۴۸ با مرتبه دانشجویی به گروه تاریخ دانشکده الهیات پیوست و سرانجام پیش از آنکه در اسفند ۱۳۵۵ بازنشسته شود به درجه استادی رسید. وی در این دانشکده تدریس دروس درایة الحدیث، فرهنگ ایرانیان، منطق، تاریخ فلسفه اسلامی، تاریخ خاورشناسان، و روش تحقیق را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و درس عرفان اسلامی را در مقطع دکتری بر عهده داشت (دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۳-۷۴؛ حکم بازنشستگی مورخ ۵۵/۱۲/۱ دانشگاه تهران).

دامنه خدمات علمی و فرهنگی دانش پژوه ابعاد گسترده‌ای دارد، اما آنچه پایه و اساس خدمات بعدی وی را تشکیل داد، تجربیات کتابداریش در کتابخانه دانشکده حقوق بود. در مقام یک کتابدار دو هدف عمده را دنبال می کرد: توسعه مجموعه و

سازماندهی آن. به منظور تحقق هدف نخست، وی سعی کرد با توسعه مجموعه این کتابخانه آن را به یک کتابخانه نمونه علوم انسانی و بزرگترین کتابخانه ایران بدل نماید، و برای تحقق هدف دوم، به فهرستنویسی کتابها و تهیه برگه‌های مؤلف، عنوان و موضوع برای آنها مبادرت کرد و مجموعه‌ای را که در ابتدا بر حسب قطع ترتیب یافته بود با استفاده از روش‌های نظام یافته‌ای سازماندهی کرد (دانش پژوه، ۱۳۵۷، ص ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۷۵). دامنه تجربه او در گردآوری مجموعه‌ای پژوهشی در زمینه تحقیقات ایران شناسی و اسلام شناسی، بعدها به بررسی و گزینش منابع برای خزانه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه‌های مجلس شورا و سنای پیشین و برخی کتابخانه‌های مستقر در شهرستان‌ها کشیده شد (افشار، ۱۳۷۵، ص ۷).

دانش پژوه در فعالیت‌های فرهنگی بسیاری سهم بود. از جمله در انجمن دوستداران کتاب، کمیته ملی تأسیس بایگانی کشور، انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی و انجمن تاریخ طب و علوم عضویت داشت، و در کنگره خواجه نصیرالدین طوسی، کنگره جهانی ایران شناسی، کنگره ملی تحقیقات ایرانی، سمینار نسخه‌های خطی در کابل و غزنین، سمپوزیم هنر تیموری در شهرهای سمرقند و بخارا و تاشکند، کنگره بیرونی در کراچی و حیدرآباد و راولپندی شرکت فعال داشت. همچنین در مجالس بزرگداشت بسیاری از دانشمندان ایرانی که در شهرهای مختلف کشور تشکیل می‌شد، شرکت کرد. سخنرانی‌های وی در این مجامع در نشریات آنها منتشر شده است (حدیث عشق ۲، ۱۳۸۱، ص ۱۲؛ دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۴-۷۵). به پیشنهاد و با پی‌گیری او دوره کارشناسی ارشد نسخ خطی در گروه کتابداری دانشگاه تهران تأسیس شد (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۱۷). در ۱۳۷۰ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد (حکم شماره ۲۹۹۸۳ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۰ ریاست جمهوری).

دانش پژوه در ۲۷ آذر ۱۳۷۵ در سن ۸۵ سالگی در تهران درگذشت (خبرنامه

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۷).

وی در چندین زمینه علمی اهتمام داشت و آثاری ماندگار از خود به یادگار گذاشت. بخش عمده‌ای از نگارش‌های علمی دانش پژوه در قالب مقالات بلند و کوتاه، در ده‌ها

مجله معتبر، و شمار زیادی از یادنامه‌ها و مجموعه‌های مقالات کنگره‌ها منتشر شده است. وی مقاله‌نویسی را از تیرماه ۱۳۲۴ با انتشار نخستین شماره مجله جلوه (نشریه جامعه لیسانسیه‌های دانشکده علوم معقول و منقول) آغاز کرد. نخستین مقاله او با عنوان "از منطق ارسطو تا روش شناسی نوین" در همین شماره این مجله (ص ۲۰-۲۵) به چاپ رسید. سپس در نشریات معروفی چون دانشنامه، سخن، دانش، و مهر قلم زد. شوق خدمتگرایی به فرهنگ و معارف ملی او را بر آن داشت که به اتفاق تنی چند از دوستانش (منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب خوئی، و ایرج افشار) مجله فرهنگ ایران زمین را در فروردین ۱۳۳۲ منتشر کند و خود برای مدت بیش از سی سال به همکاری دامنه‌داری با این مجله ادامه دهد. همچنین وی به اتفاق ایرج افشار نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی رادر ۱۳۳۹ منتشر کرد که انتشار آن تا دفتر دوازدهم در سال ۱۳۶۲ ادامه یافت. فهرس وی از مجموعه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف، بخش عمده مطالب مجلدات دوازده‌گانه این نشریه را تشکیل می‌دهد. نشریات دیگری از جمله مجله دانشکده ادبیات (دانشگاه تهران)، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، راهنمای کتاب، یغما، وحید، هنر و مردم، نشر دانش، معارف، و تحقیقات اسلامی در مقوله‌های گوناگون معارف ایرانی و اسلامی، از همکاری قلمی او برخوردار بوده‌اند. فهرست بلند مقالات او رقم حیرت‌انگیز ۳۲۶ را نشان می‌دهد (حدیث عشق ۲، ص ۱۵-۳۱، ۴۰).

مقالات او بیشتر در زمینه‌های منطق، فلسفه و کلام انتشار یافته و اهمیت این نوشته‌هایش تا آنجاست که هانز دیبر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۲۰) ۲۳ اثر او را در زمینه‌های یاد شده در «کتابشناسی فلسفه اسلامی»<sup>۲</sup> معرفی کرده است. دانش پژوه در این مقوله‌ها به بررسی آثار و نظریات اندیشمندان اسلامی پرداخته و در شناساندن عقاید متفکرانی چون ارسطو، فارابی، اخوان الصفا، ابن سینا، ابن رشد، باباافضل کاشانی، نصیرالدین طوسی، ابن کمونه، ابن میمون، ملاصدرا، ملامحسن فیض کاشانی

اهتمام کرده است (دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۷).

موضوعات دیگر مقاله‌های او طیف وسیعی از مقوله‌های مختلف از علوم و فنون را در بر می‌گیرند: از دبیری و نویسندگی گرفته تا گنجوری، طب، داروشناسی، مرقع سازی، جلدسازی، ریاضی، موسیقی، تدبیر منزل، و آیین شهریار در میان آنها دیده می‌شود (حدیث عشق ۲، ۱۳۸۱). همچنین نام وی در زمره نام افرادی قرار دارد که در کثرت کار نقدنویسی در مجلات فارسی سرآمد بوده‌اند و هر یک در نقد کتاب مکرر قلم زده‌اند (معاضد، ۱۳۵۵، ص ۲۶۹؛ خرمشاهی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱).

اهتمام دیگر دانش پژوه تصحیح و نشر متون پیشینیان بود و به یمن کوشش‌های او بیش از ده‌ها اثر تنقیح شد و از این رهگذر دانش دوستان با اندیشه‌ها و آرای برخی بزرگان فلسفه، منطق و کلام، تصوف و عرفان، ریاضی و قرآن بیشتر آشنا شدند (دانش پژوه، ۱۳۷۴، ص ۷۷؛ حدیث عشق ۲، ۱۳۸۱، ص ۳۲-۵۰). وی در کار تصحیح متون به مقوله فلسفه و منطق دلبستگی بیشتری داشت. نشر ترجمه فارسی نزهة الارواح شهرزوری (قرن ۷) در زمره این گونه متون است که آن را با همکاری محمد سرور مولایی به چاپ رسانده است (تهران، ۱۳۶۵). وی در این اثر دیباچه‌ای مشروح در ۲۳۳ صفحه درباره تاریخ نگاری فلسفه دارد (شهرزوری، ۱۳۶۵، دیباچه، ص ۱-۲۳۳). ایرج افشار (۱۳۷۵، ص ۱۱) این دیباچه را در کتابشناسی مآخذ اسلامی بی نظیر دانسته است. همچنین در دیباچه مفصل خود بر کتاب النجاة من العرق فی بحرالضلالات ابن سینا (۱۳۶۴) به معرفی آثار و آراء ارسطو و ابن سینا پرداخته و با وجود قول مشهور ابن سیناشناسان که نجات را تلخیص شفا می‌دانند، آن را گزیده شفا دانسته (ابن سینا، ۱۳۶۴، دیباچه، ص یک، هفتاد - هفتاد و یک) و در اثبات این نظر طرح مباحث مشترک در هر دو اثر را گواه آورده است (ص صد و هشتاد و یک - هشتاد و شش). در این دیباچه از پیوند نجات با نگارش‌های دیگر ابن سینا، گزارش نگاران نجات، و نسخه‌های آن در کتابخانه‌های جهان یاد شده است (ص صد و یک - صد و نود و شش). به قولی این چاپ بهترین چاپ انتقادی نجات بوده است (خرمشاهی، ۱۳۶۵، ص ۴۸-۴۹).

در منطق، رسائل متعددی را از علما و منطق دان‌های اسلامی منتشر کرده است که

برجسته‌ترین آنها مجموعه ۳ جلدی المنطقیات فارابی، مشتمل بر آثار او در منطق و شروح آن است. دانش پژوه در دیباچه خود بر مجلد دوم این اثر بحثی مستوفی در باب سرگذشت منطق ارسطویی و اشاعه آن بیشتر از طریق ترجمه میانجی‌های سریانی نوشته‌های ارسطو در منطق دارد (فارابی، ۱۴۰۸-۱۴۱۰، ج ۲، دیباچه، ص ۱۲-۱۸). وی فارابی را دنباله روی محض اندیشه‌های ارسطو در منطق نمی‌داند، و روش او را در این فن ترکیبی و آفرینشی (سنتتیک<sup>۱</sup>) معرفی می‌کند (فارابی، ج ۳، دیباچه، ص چهار). ضیاء موحد (۱۳۶۷، ص ۴۱) از انتشار این مجموعه به مثابه خدمت فرهنگی عظیمی یاد کرده است.

البته نباید پنداشت که کار وی در تصحیح متون از هرگونه سهو و خطابری بوده است. در مواردی برخی کاستی‌ها و بی‌دقتی‌ها در کارهای او دیده می‌شود. در تصحیح تاریخ الوزراء (تألیف در ۵۸۴)، اثری نفیس در تاریخ وزرای سلجوقی و یکی از منابع دست اول این دوره و در عین حال گنجینه‌ای مهم از امثال و حکم فارسی از نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، از برخی نارسایی‌ها به دور نمانده است. از جمله فقدان ترجمه و توضیح ابیات و عبارات عربی فراوان متن، و نیز نبود فهرست مصطلحات فنی و توضیح برخی اصطلاحات دشوار دیوانی که در سرتاسر متن به چشم می‌خورد (برای نمونه "صاحب طغرا"، ص ۳۶، "دیوان عرض" ص ۶۲، "دفتر جامگی"، "دفتر روزنامه"، ص ۶۳، "امیر حاجب"، ص ۱۵۲، "خاصبک"، ص ۱۵۸؛ برای برخی انتقادات دیگر درباره این چاپ ← کمائی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۸؛ پورجوادی، ۱۳۶۶، ص ۳۹). همچنین کار وی در تصحیح زبدة التواریخ در تاریخ اسماعیلیه، خلفای فاطمی و نزاریان از عبدالله بن علی کاشانی (متوفی ۸۳۶) نیز خالی از اشکال نبوده است، و در مقدمه او بر این اثر مطالب اشتباه و واژه‌ها و اصطلاحات نادرست به چشم می‌خورد (دفتری، ۱۳۶۶، ص ۲۹-۳۰). در این اثر آنچه بدخوانی نسخه‌انگاشته شده، موجب گردیده که بین متن چاپی و نسخه خطی مغایرت‌هایی مشاهده شود و متن با مجهولات بسیار و مغلوط

منتشر گردد (موسوی، ۱۳۶۶، ص ۳۱).

دانش پژوه علاوه بر اهتمام در زمینه‌های یاد شده، خصوصاً در فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی آوازه‌ای بلند دارد به گونه‌ای که استناد به فهرس متعدد و پر دامنه‌اش در بسیاری از آثار محققان معاصر دیده می‌شود، لذا سزاوار است که با تفصیلی شایسته به آنها پرداخته شود.

وی در تدوین این فهرست‌ها از میان پیش‌کنسوتان بیش از همه از روش ابن یوسف حدائق (ضیاءالدین حدائق شیرازی، ۱۲۸۳-۱۳۶۶) که پیش‌تر فهرستی از کتاب‌های کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار و مجلس شورا را تدوین کرده بود تأثیر پذیرفت. به گفته دانش پژوه، وی نخستین کسی بود که فهرست‌نویسی تحلیلی را در ایران باب کرد (۱۳۵۷، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ نیز حدائق شیرازی، ۱۳۱۵-۱۳۱۸، ج ۱، ص ز). تلاش دانش پژوه در زمینه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی نتایج قابل ملاحظه در پی داشت. عمده‌ترین کار او در این زمینه فهرست مفصل نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. هفت مجلد نخست این مجموعه کلاً به نسخه‌های اهدایی سید محمد مشکوة (متوفی ۱۳۵۹ ش) به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در ۱۳۲۸ ش اختصاص دارد که هسته اولیه مجموعه این کتابخانه را تشکیل داد (دانش پژوه، ۱۳۵۷-۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۶). دو مجلد اول این فهرست را علی نقی منزوی با عنوان فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران تألیف و منتشر کرده است (۱۳۳۰-۱۳۳۲). پنج مجلد دیگر آن (بخش‌های ۱-۵) با همان عنوان به اهتمام دانش پژوه تألیف و انتشار یافته است (۱۳۳۲-۱۳۳۸). این هفت مجلد بر اساس موضوع‌های کلی چون قرآن و علوم قرآنی، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، عرفان، کلام، پزشکی، ریاضی، اخبار، اصول، و فقه تنظیم و در هر موضوع شناسه‌های فهرست بر حسب الفبای عنوان ترتیب یافته است. در هر شناسه نخست به کتابشناسی اثر و ارائه توضیحاتی درباره مؤلف، تاریخ تألیف، فصول و ابواب کتاب، موضوع یا موضوعات مطروحه در آن و شرح‌ها و ترجمه‌های اثر در صورت موجود بودن آنها، پرداخته شده و سپس عباراتی از آغاز و انجام متن آورده شده و سرانجام مطالب مربوط به نسخه‌شناسی اثر از جمله



نوع خط، نام کاتب، تاریخ کتابت، نشانه‌ها، آرایه‌ها و تصویرها، طرز تملک‌های متفاوت، نوع کاغذ و جلد، اندازه، شماره برگ‌ها و تعداد سطرها ذکر شده است. دانش پژوه ذکر آغاز و انجام اثر را بسیار مهم و مبتکر آن را ابن ندیم می‌داند (۱۳۳۸)، ج ۳، بخش ۵، ص [ب]. مجموعه فهرست دانشگاه از مجلد هشتم تا پانزدهم با عنوان فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۱۳۳۹-۱۳۴۵ ش) و از مجلد شانزدهم تا هیجدهم با عنوان فهرست کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (۱۳۵۷-۱۳۶۴ ش) نیز توسط دانش پژوه تدوین شده است. تنظیم فهرست از مجلد هشتم به بعد بر خلاف نظم موضوعی پیشین، براساس شماره ثبت نسخه صورت گرفته است. در این مجموعه کلاً ۱۰۰۵۰ جلد نسخه خطی معرفی شده است (دانش پژوه، ۱۳۵۷-۱۳۶۴، ج ۱۷، مقدمه، ص [الف]).

دانش پژوه همچنین تدوین فهرست میکرو فیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را بر عهده داشت که در سه مجلد در سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۵۳، ۱۳۶۳، منتشر شد. این فهرست مشتمل بر مشخصات حدود ۷۰۰ حلقه میکروفیلم از نسخه‌های خطی، فرمان‌ها، قباله‌ها، نامه‌های تاریخی، عکس‌ها، جراید قدیمی، و کتب چاپی نادر موجود در کتابخانه‌های ایران و جهان است (← دانش پژوه، ۱۳۴۸-۱۳۶۳، ج ۱، مقدمه افشار، ص [الف]-پ، ج ۲، مقدمه همو، ص [۷]-۸، ج ۳، مقدمه، ص [الف]). بعلاوه، وی در تألیف فهرست نسخه‌های خطی چندین کتابخانه معتبر دیگر از جمله کتابخانه‌های دانشکده‌های حقوق (۱۳۳۹)، ادبیات (۱۳۳۹)، و الهیات (با همکاری محمدباقر حجتی، ۱۳۴۵) دانشگاه تهران، کتابخانه‌های مدرسه عالی سپهسالار (مجلدات ۳-۵ با همکاری علی نقی منزوی؛ ۱۳۴۰-۱۳۵۶)، مجلس شورای ملی (مجلدات ۱۱-۱۶ با همکاری ایرج افشار و دیگران؛ ۱۳۴۵-۱۳۴۸)، مجلس سنا (در ۲ مجلد با همکاری بهاء‌الدین علمی انواری؛ ۱۳۵۵-۱۳۵۹)، و ملک (۱۳ مجلد با همکاری ایرج افشار و دیگران، ۱۳۵۱-۱۳۸۰) همت گماشت (برای آگاهی از مشخصات این فهارس ← حدیث عشق ۲، ص ۳۷-۴۰).

نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی که ذکر آن پیش‌تر

گذشت، به عرصه دیگری برای تلاش دانش پژوه در زمینه ارائه اطلاعات در باره نسخه‌های خطی و فهرست‌نگاری مجموعه‌های فاقد فهرست بدل شد. در هفت دفتر نخست این مجموعه، علاوه بر چاپ گزارش‌های متنوعی درباره نسخه‌های خطی، فهرست‌نگاری مجموعه‌های خطی بسیاری از کتابخانه‌های مستقر در تهران و شهرستان‌ها و نیز مجموعه‌های خصوصی را وجهه همت خود قرار دارد. همچنین در همین نشریه به انتشار فهرست نسخه‌های عربی، فارسی و ترکی، موجود در کتابخانه‌های عراق و عربستان سعودی (دفتر ۵، ص ۴۰۵-۵۸۳)، و فهرست نسخه‌های اسلامی موجود در شماری از کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مجامع علمی جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق، اروپا، امریکا، ترکیه، و هند و پاکستان (دفترهای ۸ و ۹ و ۱۰) همت گماشت که در مأموریت‌های علمی خود توفیق تدوین آنها را یافته بود. دو دفتر پایانی این نشریه نیز به فهرست مفصلی از قریب پنج هزار نسخه خطی فارسی، عربی، ترکی و اردو متعلق به کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا واقع در لس آنجلس اختصاص یافته است) — دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۱-۷۷۲، نیز — مقدمه، ص ۲).

افزون بر فهرستنویسی مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ها به پژوهش‌های کتابشناسانه نیز در موضوعات گوناگون پرداخته است. برخی از این پژوهش‌ها در مطاوی مقالات او یا در مقدمه کتاب‌هایی که به کوشش او به چاپ رسیده منتشر شده است (افشار، ۱۳۷۵، ص ۸-۹). جز آنها دو کتابشناسی موضوعی مستقل یکی در موسیقی با عنوان مداومت در اصول موسیقی ایران: نمونه‌ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی در غنا و موسیقی (تهران، ۱۳۵۵)، که در حکم مرجع معتبر و محققانه‌ای در زمینه موسیقی سرزمین‌های اسلامی با توجه صاحب نظران روبه رو بوده است (دانش پژوه، ۱۳۵۵، ص ۲۷۸). از نکات جالب وی در این اثر اینکه با ارائه شواهد و دلایل از جمله وجود اطلاعات فارسی موسیقایی و نام فارسی ابزارها در آثار عربی ادعا می‌کند که عنصر موسیقی ایرانی در طول ۱۴ قرن در موسیقی اسلامی حضور داشته است (دانش پژوه، ۱۳۵۵، ص ۲۳۳). کتابشناسی موضوعی مستقل دیگر با عنوان فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی در زبان فارسی (تهران، ۱۳۶۷) می‌باشد. در این هر دو اثر از

نسخه‌های کتب معرفی شده در کتابخانه‌های جهان نیز یاد شده است. امروزه مجموعه فهرست‌های او دستمایه پژوهش محققان و خاورشناسان است. ایرج افشار (۱۳۵۵، ص ۲۷۶؛ ۱۳۷۳، ص ۱۵۹؛ ۱۳۷۵، ص ۸) این فهرست‌ها را معرف حدود پنجاه هزار نسخه خطی می‌داند و بر این باور است که دانش پژوه در تدوین این مجموعه هم از جهت کمی و هم از لحاظ کیفی کار خطیری بیش از توان یک فهرست‌نگار انجام داده و بیش از هر فهرست‌نویسی، فهرست‌نگاری تحلیلی و تحقیقی کرده است. فهرست‌های او از منابع عمده ترجمه روسی یوری ا. برگل<sup>۱</sup> کتابشناس روس از کتاب «ادبیات فارسی: شرح احوال و آثار»<sup>۲</sup> اثر چارلز آمبروز استوری<sup>۳</sup> خاورشناس انگلیسی بوده است (برای نمونه — استوری، ۱۳۶۲، ج ۱، بخش اختصارات و منابع، ص ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۵-۶۸، ۷۲-۷۴، ۷۶-۷۷، ۸۰-۸۱، ۸۵-۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۳). همچنین فواد سزگین<sup>۴</sup> دانشمند ترک در تألیف ارزنده و مفصل خود با عنوان تاریخ نگارش‌های عربی<sup>۵</sup> که از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۰، ۱۲ مجلد از آن منتشر شده، از فهرست‌های او بهره بسیار برده است (برای نمونه ج ۱، ص ۷۲۹-۷۳۳، ج ۳، ص ۳۸۴، ۳۹۹ - ۴۰۵). عبدالحسین حائری مجلدات سوم تا هفتم فهرست دانشگاه تهران را که دانش پژوه به صورت موضوعی تدوین کرده بسیار دقیق وصف می‌کند و هر چند آنها را خالی از اشکال و اشتباه نمی‌داند، بهترین و عالی‌ترین کار کتابشناسی معرفی می‌کند (— استاد محمدتقی دانش پژوه از دریچه خاطرات شفاهی"، ص ۱۸). زریاب خوئی (متوفی ۱۳۷۴) از وی به عنوان کسی یاد می‌کند که به صورت اساسی و متوالی، نسخه‌های خطی ایران را به دنیا معرفی کرد (— دانش پژوه، ۱۳۵۷، ص ۲۴۶).

واقعیت این است که با همه عظمت کار او، در فهرس گوناگون وی کاستی‌هایی نیز به چشم می‌خورد. در تنظیم آنها از رویه واحدی پیروی نشده است. با وجود اینکه او خود

1. Iurii E. Bregel

2. *Persian literature: a bio-bibliographical survey*

3. Charles Ambrose Storey

4. Fuat Sezgin

5. *Geschichte des arabischen Schrifttums*

تقسیم علوم را از ارکان کتابشناسی بر می شمرد و بر این باور است که در این مهم باید از فلسفه کمک گرفت (دانش پژوه، ۱۳۵۴ ب، ص ۲۹۷)، در تدوین فهرست‌هایش به اصل گروه‌بندی موضوعی چندان پای‌بند نبوده است. در مقدمه مجلد هشتم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ص دو)، ناگهان و بدون اقامه دلیلی منطقی، از تنظیم مجلدات آتی بر اساس شماره ثبت خبر می‌دهد. افزون بر آن، برخی از فهرست‌ها فاقد هرگونه نظم هستند (برای نمونه ————— نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی، دفتر ۸، ص ۱۵۵-۱۶۶: "نسخه‌های عربی و ترکی گرجستان"، ص ۱۶۹-۲۶۹: "کتابخانه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان تفلیس: نسخه‌های فارسی"، و شماری از فهرست‌ها بر حسب نظم الفبایی عنوان‌ها مرتب شده‌اند) (برای نمونه ————— نشریه کتابخانه مرکزی، دفتر ۸، ص ۲۷-۹۷: "نسخه‌های خطی بنیاد خاورشناسی فرهنگستان شوروی شهر لنینگراد"). همچنین فقدان نمایه موضوعی در همه فهرست‌ها، و نمایه‌های کلی نام مؤلفان از ایرادهای اساسی فهارس وی بشمار می‌رود.

چنین می‌نماید که وی از بیم فوت امکانی که در دستیابی به آن گنجینه‌های میراث مکتوب ایرانی و اسلامی داخل و خارج کشور برایش فراهم شده بود، فرصت را غنیمت شمرده و مشتاقانه کشف و بازیابی و بررسی و معرفی هر چه بیشتر نسخه‌های ناشناخته و پراکنده را به ایجاد انضباط و نظم منطقی ترجیح داده است. نجیب مایل هروی (۱۳۸۱، ص ۱۹) وجود برخی بی‌نظمی‌ها در مجموعه فهارس او را ناشی از کلائی و گستردگی کار وی می‌داند و یادآور می‌شود که ضرورت تکامل فرهنگی ایجاب می‌کند که مراکز فرهنگی که در زمینه نسخه‌های خطی اهتمام می‌ورزند، در تجدید چاپ آثار وی، کاستی‌های آنها را رفع نمایند و برخی آشفتگی‌ها را سامان بخشند و به صورتی روشمند آنها را منتشر نمایند.

دوستانش در مجله فرهنگ ایران زمین، به مناسبت هفتاد و پنجمین سال زندگی وی و خدمات پر دامنه فرهنگی‌اش، دفتر بیست و هفتم این مجله را به وی تقدیم داشته و در آغاز این دفتر فهرست‌نگاری دستنوشته‌های پیشینیان و تصحیح آثار آنان، و

پژوهش‌های ژرف او را در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، دستاورد زندگی پربار او دانسته‌اند.

## مآخذ

ابن سنیا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۴). *النجاة من الغرق فی بحر الضلالت*، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

"استاد محمدتقی دانش‌پژوه از درجهٔ خاطرات شفاهی" (۱۳۷۸). به کوشش کورش نوروز مرادی و حسن صفیاری، پیام بهارستان، ش ۷ (آبان).

استوری، چارلز آمبروز (۱۳۶۲). *ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری*، ترجمه یو. ا. برگل [به روسی] ترجمه یحیی آرین پور، سیروس ایزدی، و کریم کشاورز، چاپ احمد منزوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

افشار، ایرج (۱۳۷۳). "دانش‌پژوه: دانشمند و فهرست‌نگاری جهانی"، کلک، ش ۵۱-۵۲ (خرداد و تیر).

افشار، ایرج (۱۳۵۵). "دربارهٔ دانش‌پژوه"، راهنمای کتاب، سال ۱۹، ش ۷-۴ (تیر - شهریور).

افشار، ایرج (۱۳۷۵). "یادی از محمدتقی دانش‌پژوه"، نامهٔ فرهنگستان، سال ۲، ش ۳ (پائیز).

انصاری، نوش آفرین (۱۳۸۱). "گفت و گو با نوش آفرین انصاری: دانش‌پژوه، نخستین بنیانگذار دورهٔ نسخ خطی در ایران" گفتگوکننده: فریبا افکاری، کتاب ماه کلیات، سال ۵، ش ۵ (اردیبهشت).

پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۶). "قدیمترین گنجینهٔ امثال و حکم فارسی: تاریخ الوزراء نجم‌الدین قمی"، نشر دانش، سال ۷، ش ۴ (خرداد و تیر).

جلوه، (۱۳۲۴)، سال ۱، (تیر).

حداث شیرازی، ضیاء‌الدین (۱۳۱۵-۱۳۱۸). *فهرست کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار*، تهران: [بی‌نا]

حدیث عشق ۲: دانش‌پژوه در قلمرو جستارهای نسخه‌های خطی (۱۳۸۱). به کوشش نادر مطلبی کاشانی و محمد حسین مرعشی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

خبرنامهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۵). سال ۱، ش ۱۲ (آذر).

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۳). "آئین نقد کتاب"، نشر دانش، سال ۴، ش ۳ (فروردین و اردیبهشت).

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۵) [دربارهٔ] *النجاة من الغرق فی بحر الضلالت* تصنیف ابن سنیا، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، نشر دانش، سال ۶، ش ۳ (فروردین و اردیبهشت).

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۷۴). "دانش پژوه و کتاب" (مصاحبه)، دانشگاه انقلاب، ویژه کتاب و کتاب خوانی به مناسبت هفته کتاب "۲۶-۲۰ آبان).

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۴ الف). "سرگذشت من"، راهنمای کتاب، سال ۱۸، ش ۹-۷ (مهر- آذر).

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۳۸). فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، بخش ۵ (ج ۷)، تهران: دانشگاه تهران.

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۷-۱۳۶۴). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران.

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۸-۱۳۶۳). فهرست میکرو فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران.

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۴ ب). "کتابداری فیلسوف"، در مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۳، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۷). "گفتگو با محمد تقی دانش پژوه"، گفتگو کنندگان: عبدالحسین آذرنگ و دیگران، راهنمای کتاب، سال ۲۱، ش ۴-۳ (خرداد و تیر).

دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۵). مداومت در اصول موسیقی ایران: نمونه‌ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی در غنا و موسیقی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دفتری، فرهاد (۱۳۶۶). "کتابی بر اساس منابع و اسناد اصلی اسماعیلیان نزاری"، نشر دانش، سال ۸، ش ۲ (بهمن و اسفند).

ستوده، منوچهر (۱۳۷۵). "من و محمد تقی دانش پژوه"، کلک، ش ۸۰-۸۳ (آبان بهمن).

شهرزوری، محمد بن محمود (۱۳۶۵). نزهة الأرواح و روضه الافراح (تاریخ الحكماء)، ترجمه مقصود علی تبریزی، با دیباچه ای درباره تاریخ نگاری فلسفه، چاپ محمد تقی دانش پژوه و محمد سرور مولائی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۸-۱۴۱۰). المنطقیات للفارابی، چاپ محمد تقی دانش پژوه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

قمی، نجم الدین ابوالرجاء (۱۳۶۳). تاریخ الوزراء، چاپ محمد تقی دانش پژوه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کمانی، تراب [درباره] تاریخ الوزراء، آئینه، سال ۱۲، ش ۶-۴ (تیر-شهریور).  
مایل هروی، نجیب (۱۳۸۱). "گفت و گو با نجیب مایل هروی: استاد دانش پژوه یکی از پرکارترین فهرست نگاران و محققان متون در دوره معاصر بود"، گفتگو کننده: حسین فعال عراقی نژاد، کتاب ماه کلیات، سال ۵، ش ۵ (اردیبهشت).

محمدتقی دانش پژوه: ۱۳۷۵-۱۳۷۶ (۱۳۷۶). تهران: [پینا] جزوه تکثیر شده.  
معاذ، مهیندخت (۱۳۵۵). کتابشناسی نقد کتاب. تهران: انجمن کتاب.  
موحد، ضیاء (۱۳۶۷). "پس از قرنهای تأخیر"، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۹ (آذر).  
موسوی، مصطفی (۱۳۶۶). "نقد تفصیلی بر تصحیح و چاپ زبده التواریخ"، نشر دانش، سال ۸، ش ۲ (بهمن و اسفند).  
نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در باره نسخه‌های خطی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶-۱۳۶۲.

Daiber, Hans (1999). *Bibliography of Islamic philosophy*. Leiden: Brill.

Sezgin, Fuat (1967). *Geschichte des arabischen Schrifttums*. Leiden: Brill.